

ماشینی خریدند که چهار هزار لیتر آب دارد. این برای اروپاست که در خیابان‌ها شیر آب آتش‌نشانی دارد نه برای ایران؛ 6 بلاگر در تهران داریم که دو تایش از رده خارج شده.

شهادت مهدی حاجی‌پور و امید عباسی اشتباه عملیاتی بود؛



به گزارش اسپادانا خبر، موسی خاتم گفت: وقتی رسیدیم ساختمان مشتعل بود. از پله‌ها رفتیم طبقه نهم. صدای ریختن سقف طبقات می‌آمد. خودمان را به طبقه دوم رساندیم. از طبقه دوم امکان پایین‌تر آمدن نبود. راه‌پله‌ها ریخته بودند. از بیرون ساختمان نردبان گذاشتند و خارج شدیم. یک لحظه نفهمیدیم ناصر مهرورز، فرمانده تیم برای چه برگشت به داخل ساختمان. انگار کسی را دید که داخل بود و رفت برای نجات. متوجه نشدیم برای چه رفت. هرچه فریاد زدیم رفت. چهار دقیقه بعد پلاسکو ریخت.

* سال 84 و 85 درباره نایمن بودن پلاسکو گزارش داده بودیم. 30 بار اخطار تعطیلی آمده بود اما تعطیل نمی‌شد.

* شهادت مهدی حاجی‌پور و امید عباسی فقط به خاطر اشتباه عملیاتی بود.

* پنجشنبه نصف پرسنل سازمان رفته بودند امتحان بدهند؛ امتحان درس‌هایی که گذاشته‌اند و اجبار کرده‌اند که باید لیسانس بگیرند. برای همین نیرو کم بود. فقط لوله‌کشی به طبقات ساختمان 80 نیرو می‌خواست اما 40 نیرو حضور داشتند. همین مدرک‌گرایی و بی‌تجربگی در مدیریت میدان باعث فروریختن پلاسکو شد. در فیلم هم مشخص است که دیوار شرقی را آب می‌دهند. این آب دادن باعث سنگین شدن ساختمان شد. می‌گویند منبع گازوئیل منفجر شد، منبع گازوئیل اصلاً منفجر نمی‌شود. گازوئیل می‌سوزد اما منفجر نمی‌شود.

* از 40 دقیقه قبل از ریختن کل ساختمان صدای آوار می‌آمد و معلوم بود که ساختمان می‌ریزد اما تخلیه نیروها صورت نگرفت. البته آتش‌نشانی هم از وضعیت ساختمان بی‌اطلاع بود اما وقتی حریق به اصطلاح فارچی شد باید نیروها را بکشید بیرون. بعضی بچه‌ها خودشان را از طبقات بیرون انداختند.

* گردنم سوخته و چندین بار دست و پایم شکسته. با بیشتر کسانی که شهید و مفقود شده‌اند خدمت کرده‌ام. معجزه است که در این سال‌ها زنده مانده‌ایم. پلاسکو خشم خدا بود. زنگ خطر بود.

* پوشاک از نفت و گازوئیل و اورانیوم خطرناک‌تر است. شهرداری منطقه نتوانسته برای خارج کردن تولیدی‌ها از پلاسکو اقدام کند. نتوانسته پلاسکو را تا ایمن‌شدن تخلیه کند.

* فرمانده ایستگاه ما مفقود و احتمالاً شهید شده است. تا جایی که می‌دانم از ایستگاه یک سه نفر، از ایستگاه 64 یک شیفت کامل که 12 نفر می‌شوند، از ایستگاه سه، 12 نفر و از ایستگاه 117 و 18 سه نفر مفقود شده‌اند. البته اطلاعاتم دقیق نیست. ایستگاه‌های دیگر را نمی‌دانم. از تمام ایستگاه‌ها نیرو اعزام شده بود.

* ماشینی خریدند که چهار هزار لیتر آب دارد. این برای اروپاست که در خیابان‌ها شیر آب آتش‌نشانی دارد نه برای ایران. 6 بلاگر در تهران داریم که دو تایش از رده خارج شده. خودم دیدم که بعد از ریختن ساختمان یکی از بچه‌ها از نردبان افتاد داخل سفارت انگلیس؛ از ارتفاع 55 متری.

* دیگر چیزی برایم مهم نیست. جان مردم در خطر است. لاستیک‌های نردبان‌ها دو سال از تاریخ اعتبارشان گذشته و هر لحظه ممکن است در وسط عملیات بیفتند.

* ایستگاه‌های آتش‌نشانی را زیاد می‌کنند اما روی چه حسابی؟ یک فرمانده باید حداقل 20 سال سابقه داشته باشد. این نیرو را از کجا می‌آورند؟ تیم باید 18 نفر باشد. با پنج نفر ایستگاه و تیم درست می‌کنند. یک نفر باید در ایستگاه بماند یعنی چهار نفر بروند برای یک حادثه.

* دیسپلین نظامی و سختگیری‌های بی‌مورد، آتش‌نشان‌ها را بیمار کرده است. نیرو از عملیات آمده می‌گویند چرا ملحفه تخت کج است. نیرو درگیر می‌شود و درگیری را به خانه می‌برد. نطفه تمام بخش‌های ایستگاه با خود آتش‌نشان‌هاست. ساعت سه نصف شب برای یک گریه در یک ساختمان زنگ خطر را می‌زنند. آژیر آتش‌نشانی قبلاً حرمت داشت. از یک طرف این سختگیری‌های بی‌مورد را داریم و از طرف دیگر خریده‌های غلط دارند. خودروی برنتو برای اروپا است نه برای ایران. برای خاک ایران که کوهپایه است باید نردبان بخریم که دکلس سبک‌تر است. در همین حادثه پلاسکو چند نردبان افتادند. تجهیزات باید هر چند وقت از طرف شرکت فروشنده بازرسی و تعمیر شوند اما این کار انجام نمی‌شود.

* شهید علی قانع در زیرزمینی دچار ایست قلبی شد که 30 متر بود. چرا باید در جایی که ۳۰ متر است، دچار ایست قلبی شد؟ آنقدر قبلش اذیتش کرده بودند، از این ایستگاه به آن ایستگاه. لنگ پنج میلیون تومان وام بود که امضا نمی‌شد. با آن فشار روحی به عملیات می‌رود خب احتمال ایست قلبی بالا می‌رود.

منبع/ روزنامه فرهیختگان

برچسب‌ها: [ساختمان پلاسکو](#) [1]
[آتش‌نشانی](#) [2]
[حوادث](#) [3]